



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیره عملی

امام باقر علیه السلام

محمدالله اکبری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیره عملی امام باقر (علیه السلام)

نویسنده:

محمد الله اکبری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سیره عملی امام باقر (علیه السلام)
۶	مشخصات کتاب
۶	شمایل
۷	اوصاف
۷	عبادت
۷	مهابت و شجاعت
۸	رفتار با یاران و دیگر مردم
۸	آراستگی ظاهر
۸	غذا خوردن
۸	میهمانی دادن
۸	تجارت و کار
۹	سخاوت و بخشش
۹	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیره عملی امام باقر (علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان: سیره عملی امام باقر (علیه السلام)

پدیدآورندگان: الله اکبری، محمد، ۱۳۴۲- (پدید آور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: سیره ائمه اطهار (ع)

امام محمد باقر (ع)

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ،ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: ماهنامه کوثر، شماره ۱۹، مهر ۱۳۷۷

شناسه: oai:tebyan.net/۶۲۵۵

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

شمایل

نام شریفش محمد، کنیه اش ابوجعفر و لقبش باقر بود. [۱] از آن روی باقر نامیده شد، که شکافنده علم، پرچمدار دانش و آشکار کننده گنجهای نهان علوم و معارف بود. [۲]. آن گرامی به پیامبر شباهت بسیار داشت، [۳] مردی بود، گندم گون [۴]، میانه بالا [۵] و میان باریک [۶] قوی هیکل [۷] و سنگین وزن، [۸] صورتی گرد داشت [۹] و ریشی سیاه [۱۰]، پوستش نرم و لطیف بود [۱۱] و صدایش نیکو، [۱۲] تابنده روی، [۱۳] پیوسته ابروی [۱۴] و پیچیده موی [۱۵] بود. چشمانی بزرگ، [۱۶] بینی کشیده، [۱۷] و دندانهایی درشت داشت، [۱۸] به گاه خنده دندانهایش چون درّ می درخشید، [۱۹] قهقهه نمی زد. [۲۰]. و چون خنده اش تمام می شد می فرمود: خدایا بر من خشمگین مشو، [۲۱] رخسارش را خالی زینت بخشیده بود، [۲۲] و بدنش خال قرمزی داشت [۲۳] و سرش به پائین متمایل بود، [۲۴] چون خشمگین می شد، خشمگینانه به آسمان می نگرست، چنانکه بیننده خشم را در چهره اش می دید. [۲۵]

اوصاف

جانشین پدر بود و بزرگ علویان، در علم و تقوا، زهد و پارسایی بزرگی و آقایی سرآمد بنی‌هاشم بود، نامش در میان مردم مشهور بود و بزرگی‌اش در بین شیعه و سنی آشکار [۲۶] و دوست و دشمن به فضل و برتری‌اش معترف. [۲۷] در میان سران مذاهب و بزرگان فقها، علم و فضلش ضرب المثل بود. [۲۸]. مسلمانان در هر مسأله‌ای در می‌ماندند به گنجینه دانش وی روی می‌آوردند. [۲۹] دانشمندان بزرگ در نزد وی چون کودکی دانش آموز، در نزد معلم، بودند. [۳۰]. «جابر بن عبدالله انصاری» آخرین بازمانده یاران پیامبر، در مجلس درسش حاضر می‌شد و علم می‌آموخت. [۳۱] ارباب مذاهب و جویندگان دانش، پرسشهای مشکل خود را از حضرتش می‌پرسیدند. [۳۲].

عبادت

همیشه به یاد خدا بود، در همه حال نام خدا بر لب داشت، [۳۳] نماز زیاد می‌خواند [۳۴] و چون سر از سجده بر می‌داشت. سجده گاهش از اشک چشمش تر شده بود. [۳۵]. امام صادق [۳۶] فرمود: پدرم در مناجات شبانه‌اش می‌گفت: «خدایا، فرمانم دادی نبردم، نَهیم کردی، اطاعت نکردم، اکنون بنده‌ات، نزد تو آمده و عذری ندارم». [۳۷]. آنگاه که به سفر حج می‌رفت، چون به حرم می‌رسید، غسل می‌کرد، کفشهایش را در دست می‌گرفت و مسافتی را پیاده می‌رفت. [۳۸] و چون وارد مسجد الحرام می‌شد به کعبه نگاه می‌کرد و با صدای بلند می‌گریست، غلامش اُفَلح می‌گوید: با امام باقر حج گزاردم، چون وارد مسجد الحرام شد، به «بیت» نگاه کرد و گریست تا آنکه صدایش بلند شد، گفتم: «فدایت شوم، مردم به شما نگاه می‌کنند، آهسته‌تر گریه کنید»، فرمود: «وای بر تو ای افلح، چرا گریه نکنم، شاید خداوند از رحمت به من نگاه کند، و فردای قیامت بدین سبب، نزدش رستگار شوم». [۳۹] حتی در شب وفاتش، مناجات شبانه‌اش را ترک نکرد. [۴۰] چون غمگین می‌شد، زنان و کودکان را جمع می‌کرد، او دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند. [۴۱].

مهابت و شجاعت

علم و تقوایش، زهد و پارسایی‌اش، چنان عظمت، جلالت و ابهتی به وی داده بود که کسی نمی‌توانست او را سیر نگاه کند. [۴۲] دانشمندان بزرگ از جمله «حکم بن عُمَیْیه» با همه عظمت و بزرگی‌اش، در نزد او، کودکی دانش آموز می‌نمود، [۴۳] یکی از همراهان هشام بن عبدالملک خلیفه اموی، به هنگام حج، چون توجه و احترام مردم به آن حضرت را دید، تصمیم گرفت با طرح سؤال او را شرمند کند، و چون به نزد آن گرامی رسید و چشمش به او افتاد، تنش لرزید، رنگش پرید و زبانش بند آمد. [۴۴]. یا آنکه در میان مردم چون یکی از آنها بود، و از متواضع‌ترین مردم به شمار می‌آمد، ولی در مقابل ستمکاران، شجاعانه می‌ایستاد و از حق و حقیقت دفاع می‌کرد. آنگاه که خلیفه اموی هشام بن عبدالملک، آن حضرت را به دمشق احضار کرده بود، در مجلسی که تمام سران اموی گرد آمده بودند ابتدا هشام و سپس دیگر بزرگان بنی‌امیه آن حضرت را سرزنش کردند. مردانه به پاخواست و از اسلام و اهل بیت پیامبر دفاع کرد، چنانکه هشام از سخن آن حضرت، که امویان را غاصب حقوق اهل بیت معرفی می‌کرد، به اندازه‌ای خشمگین شد که فرمان داد امام را زندانی کنند. [۴۵] در مجلسی دیگر در نزد هشام در حالی که در کنار او و بر تخت وی نشسته بود، در پاسخ هشام، حقانیت خانواده خود را اثبات کرد، هشام از پاسخ امام چنان به خشم آمد، که صورتش سرخ شد و چشمانش برگشت. [۴۶]. حتی در شب وفاتش، مناجات شبانه‌اش را ترک نکرد. چون غمگین می‌شد، زنان و کودکان را جمع می‌کرد، او دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند.

رفتار با یاران و دیگر مردم

آن بزرگوار، یارانش را به همدردی و برادری و نیز یاری مسلمانان سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خدا این است که مسلمانی، شکم مسلمانی را سیر کند، غمش را بزداید و دینش را ادا کند». [۴۷] با همه مهربان بود. [۴۸] حتی با کسانی که نسبت به او رفتار بدی داشتند، از بد کاران در می‌گذشت، [۴۹] اگر نیمه شب مهمانی می‌رسید با مهربانی در برویش باز می‌کرد و در باز کردن بار و بنه‌اش به او کمک می‌کرد، [۵۰] در تشییع جنازه مردم عادی شرکت می‌کرد، [۵۱] لغزشهای یاران را نادیده می‌گرفت [۵۲] و می‌فرمود: «اصلاح امور زندگی و روش برخورد با مردم چون پیمانانه پری است که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن گذشت است». [۵۳]. از تحقیر مسلمانان نهی می‌کرد و به غلامان و کنیزانش می‌فرمود: «گدایان را گدا ننماید و آنها را با این نام نخوانید، بلکه آنان را به بهترین نامهایشان صدا بزنید». [۵۴]. در امر اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد و تنبیه بدکاران، تلاش می‌کرد آنگاه که از دزدی افرادی آگاه شد، به غلامانش دستور داد. آنها را گرفتند و به والی مدینه تحویل دادند و اموال دزدیده شده را خود به صاحبان آنها برگرداند. [۵۵] یاران و همراهان را غذا می‌داد و چون کمی از آنان فاصله می‌گرفت در برخورد مجدد با آنان چنان احوال پرسی می‌کرد که گویا مدتهاست آنها را ندیده است. [۵۶].

آراستگی ظاهر

موی سرش تمیز و مرتب بود و می‌فرمود: «هرکس موی نگه می‌دارد، آنرا مرتب کند و فرق بگذارد» [۵۷] و به دو طرف سرشانه کند، ریش خود را کوتاه می‌کرد و خط می‌گرفت [۵۸] و موهای دو طرف صورت و زیر چانه‌اش را می‌سترد، حجامت می‌کرد. [۵۹] دستها و ناخنهایش را حنا می‌گرفت. [۶۰] دندانهایش را که سست شده بود، با طلا محکم کرده بود [۶۱] انگشتری در دست می‌کرد، نقش انگشتری‌اش «العزّة لله» بود. [۶۲].

غذا خوردن

غذا را با «بسم الله» آغاز و با «الحمد لله» ختم می‌کرد، و آنچه را در اطراف سفره ریخته بود، اگر در خانه بود، بر می‌داشت و اگر در بیابان بود برای پرندگان و می‌نهاد. [۶۳].

میهمانی دادن

غذا دادن به مؤمنین به ویژه شیعیان را بسیار مهم می‌شمرد [۶۴] و به یاران خود سفارش می‌کرد، که دوستان و هم کیشان خود را میهمان کنند و غذا بدهند [۶۵] می‌فرمود: «کمک به خانواده یک مسلمان و سیر کردن شکمشان و بی‌نیاز کردن آنها از مردم، برایم از هفتاد حج بهتر است» [۶۶] به سیر کردن شکم خیلی اهمیت می‌داد. و سیر کردن یک نفر نزد وی از آزاد کردن یک بنده بهتر بود. [۶۷] خانه‌اش منزلگاه شیعیان، مسلمانان، غریبان و رهگذران بود، میهمان زیاد به خانه می‌برد. به میهمانان غذای لذیذ می‌داد، [۶۸] اجازه نمی‌داد میهمانش کاری انجام دهد. [۶۹].

تجارت و کار

یارانش را به کار و کسب تشویق می‌کرد، از شغل آنها می‌پرسید. اگر بیکار بودند، سفارش اکید می‌کرد که به کاری مشغول شوند [۷۰] و می‌فرمود: «من کسی را که کار و کاسبی را رها کرده و به پشت بخوابد و بگوید؛ خدایا روزیم ده، [۷۱] دشمن دارم» به یکی

از یارانش که بیکار بود فرمود: «مغازه‌ای بگیر، جلویش را جاروب کن و آب پاش، بساطی در آن بگستر، چون چنین کنی وظیفه‌ات را انجام داده‌ای!» [۷۲] به یارانش سفارش می‌کرد که اگر آب یا زمینی را می‌فروشدند حتماً با پول آن آب و زمین بخرند. [۷۳] آن گرامی تنها سفارش به کار نمی‌کرد، بلکه خود نیز به باغ و مزرعه خویش می‌رفت و حتی در هوای گرم تابستان، عرق ریزان کار می‌کرد. آن حضرت می‌فرمود: «دنيا چه ياور خوبی برای طلب آخرت است» و غلامان خویش را به کاری وا می‌داشت بر آنها سخت نمی‌گرفت و آنها را در انجام کار آزاد می‌گذاشت، اگر کارشان سنگین و مشکل بود خود نیز به آنها کمک می‌کرد و می‌فرمود: «هرگاه غلامان خود را به کار می‌گیرید، و کار بر آنان سخت است خودتان نیز با آنان کار کنید». [۷۴].

سخاوت و بخشش

امام باقر علیه‌السلام با آنکه درآمدش کم، خرجش بسیار و عیال وار بود، [۷۵] در عین حال بخشندگی‌اش بین خاص و عام آشکار و بزرگواری‌اش - مشهور، و فضل و نیکی‌اش معروف بود، [۷۶] افراد زیادی به امید بهره‌مندی از جود و کرمش به سویش می‌شتافتند و هیچ یک ناامید بر نمی‌گشتند. [۷۷] هر کس به خانه‌اش وارد می‌شد، از آنجا بیرون نمی‌رفت، مگر آنکه غذایش می‌داد، لباس نیکویش می‌پوشاند و مبلغی پول به او می‌بخشید بخشش او به حدی بود که مورد اعتراض نزدیکان قرار گرفت. [۷۸] آن حضرت یاور بیچارگان، یار درماندگان و دستگیر در راه ماندگان بود. هرگاه شیعیانش از شهرهای دیگر به دیدارش می‌رفتند. زاد و توشه راه، لباس و جایزه‌شان می‌داد، و می‌فرمود: «پیش از آنکه ملاقاتم کنید اینها برایتان آماده شده بود». [۷۹]. جایزه‌هایش بین پانصد تا هزار درهم بود. [۸۰] هم خود می‌بخشید و هم به یاران و خویشانش سفارش می‌کرد که بخشنده باشند، در یک روز هشت هزار دینار به مستمندان مدینه بخشید و خانواده‌ای را که یازده نفر بودند و همه غلام و کنیز بودند آزاد کرد. [۸۱] به سبب بخششهایش نیازمندان زیادی به منزلش مراجعه می‌کردند و آن حضرت به غلامان و کنیزانش سفارش می‌کرد که آنها را تحقیر نکنند و گدا ننمایند بلکه آنان را به بهترین نامهایشان صدا بزنند. [۸۲] هر روز جمعه یک دینار صدقه می‌داد [۸۳] و می‌فرمود: «نیک و زشت و صدقه روز جمعه دو چندان می‌شود» [۸۴] و نیز می‌فرمود: «نیک، فقر را می‌زداید و بر عمر می‌افزاید و از مرگ بد پیشگیری می‌کند». [۸۵] پیوسته یارانش را به همدری و دستگیری یکدیگر سفارش می‌کرد و می‌فرمود «چه بد برادری است، برادری که چون غنی باشی همراهت باشد و چون فقیر شوی تو را تنها بگذارد». [۸۶] و می‌فرمود: «برادری آنگاه کامل است که یکی از شما دست در جیب رفیقش کند و هرچه می‌خواهد برگیرد». [۸۷].

پاورقی

[۱] اربلی، کشف الغمّة ۲ / ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۹.

[۲] شروانی، مناقب اهل البيت، ص ۶۱.

[۳] شیخ مفید، الاختصاص، ص ۹۲.

[۴] مناقب، ۴ / ۲۱۰.

[۵] همان.

[۶] الارشاد، ۲ / ۱۶۱.

[۷] جنات الخلود، ص ۲۶.

[۸] مناقب، ۴ / ۲۱۰.

[۹] جنات الخلود، ص ۲۶.]

- [۱۰] حلیه الأولیاء، ۱۸۵ / ۳.
- [۱۱] كشف الغمّة، ۲ / ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۲.
- [۱۲] بحار، ۴۶ / ۲۸۹.
- [۱۳] منبع شماره ۱۱.
- [۱۴] مناقب، ۴ / ۲۰۴، ۱۹۵.
- [۱۵] حلیه الأولیاء، ۳ / ۱۸۶.
- [۱۶] الاختصاص، ص ۶۲ - ۶۳؛ بحار، ۴۶، ۲۲۵، ۲۲۶ - ۲۲۷.
- [۱۷] طبرسی، احتجاج، ص ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۲۷.
- [۱۸] بحار، ۴۶ / ۲۹۷ - ۲۹۸.
- [۱۹] ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴ / ۴۰۳.
- [۲۰] كشف الغمّة، ۲ / ۳۱۹، ۳۲۹، ۳۶۰.
- [۲۱] حلیه الأولیاء، ۳ / ۱۸۷.
- [۲۲] بحار، ۴۶ / ۳۰۰.
- [۲۳] صفه الصفوة، ۲ / ۱۱۰؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۰.
- [۲۴] بحار، ۴۶ / ۲۱۳.
- [۲۵] همان، ۴۶ / ۲۹۷؛ نک کافی، ۲ / ۴۸۷.
- [۲۶] بحار، ۴۶ / ۲۴۴.
- [۲۷] حلیه الأولیاء، ۳ / ۱۸۶؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۲۹، ۳۱۹.
- [۲۸] بحار، ۴۶ / ۲۵۸.
- [۲۹] کافی، ۲ / ۳۷۲.
- [۳۰] طبرسی، دلائل الامامة، ص ۱۰۴ - ۱۰۵.
- [۳۱] بحار، ۴۶ / ۳۰۲، ۳۰۱.
- [۳۲] وسایل، ۱۴ / ۱۶ / ۴۴۱.
- [۳۳] مناقب، ۴ / ۲۰۷.
- [۳۴] مناقب، ۴ / ۲۰۷.
- [۳۵] بصائر الدرجات، ص ۲۷۷، ج ۵، ب ۱۴، ح ۱.
- [۳۶] بحار، ۴۶ / ۳۰۰.
- [۳۷] مناقب، ۴ / ۲۰۴.
- [۳۸] ابن قتیبه، عیون الأخبار، ۲ / ۲۰۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۵ / ۲۷۷؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۲۰، ۳۶۳؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۱؛ شروانی، ۲۶۱.
- [۳۹] رجال کشی، ص ۲۲۸، شماره ۶۶۴؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۵۵؛ بحار، ۴۶ / ۲۷۲؛ ابن حمزه الثاقب فی المناقب، ص ۳۸۴؛ مناقب، ۴ / ۲۰۱.
- [۴۰] بحار، ۴۶ / ۳۰۲.
- [۴۱] وسایل، ۳ / ۳۸۱.

- [۴۲] مکارم الأخلاق، ص ۷۴؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۹.
- [۴۳] همان، ص ۸۵؛ رجال کشی، ص ۱۲۸، ش ۳۰۸.
- [۴۴] همان، ص ۸۹، ۶۸؛ بحار ۴۶ / ۲۹۸، ۲۹۹؛ نک کافی ۶ / ۴۸۱.
- [۴۵] بحار، ۴۶ / ۲۹۸؛ نک کافی، ۶ / ۴۸۲.
- [۴۶] دلائل الأمامة، ص ۹۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۴۲؛ وسایل، ۳ / ۴۰۹؛ بحار، ۴۶ / ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۵.
- [۴۷] وسایل، ۳ / ۳۶۵.
- [۴۸] مکارم الأخلاق، ص ۱۲۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۴ / ۴۰۷.
- [۴۹] مکارم الأخلاق، ص ۱۱۸.
- [۵۰] همان، ص ۱۲۲، ۱۱۹؛ سیر اعلام النبلاء، ۴ / ۴۰۷؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۳؛ نک کافی، ۶ / ۴۵۰.
- [۵۱] سیر اعلام النبلاء، ۴ / ۴۰۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۹، ۱۲۰؛ وسایل: ۳ / ۳۵۹، ۳۶۰؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۲ - ۲۹۳؛ نک کافی، ۶ / ۴۴۷.
- [۵۲] مکارم الأخلاق، ص ۱۱۹؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۳؛ نک کافی، ۶ / ۴۵۰.
- [۵۳] سیر اعلام النبلاء، ۴ / ۴۰۷؛ ابن سعد، طبقات، ۵ / ۳۲۲.
- [۵۴] مکارم الأخلاق، ص ۱۱۹، ۱۲۰؛ وسایل، ۳ / ۳۶۰؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۳، ۲۹۸؛ نک کافی ۶ / ۴۴۸.
- [۵۵] همان، ص ۱۲۳.
- [۵۶] وسایل، ۳ / ۳۸۹.
- [۵۷] مکارم الأخلاق، ص ۱۶۲؛ وسایل ۱۶ / ۴۸۴.
- [۵۸] وسایل، ۱۶ / ۴۱۳ / ۵.
- [۵۹] همان، ۱۶ / ۴۴۵.
- [۶۰] بحار، ۴۶ / ۲۹۷؛ نک کافی، ۶ / ۲۹۸.
- [۶۱] همان، ۴۶ / ۳۰۴.
- [۶۲] مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.
- [۶۳] بحار، ۴۶ / ۲۹۷؛ نک کافی، ۶ / ۲۹۸.
- [۶۴] وسایل، ۱۶ / ۴۴۳ / ۲۷؛ ثواب الأعمال، ص ۳۰۶، ۳۱۵.
- [۶۵] ثواب الأعمال، ص ۳۱۵.
- [۶۶] وسایل، ۱۶ / ۴۴۳ / ۲۷ / ۳۰؛ ثواب الأعمال، ص ۳۰۶.
- [۶۷] وسایل، ۱۶ / ۴۵۸؛ نیز تمام منابع شماره ۶۸ در همان صفحه.
- [۶۸] همان، ۱۶ / ۴۷۹؛ صفة الصفوة، ۲ / ۱۱۲؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۲۰؛ الفصول المهمة، ص ۲۱۵؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۰ - ۲۹۱.
- [۶۹] مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰؛ وسایل: ۱۶ / ۴۴۵؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۷ و نک کافی ۶ / ۲۹۸.
- [۷۰] وسایل، ۱۶ / ۴۵۷.
- [۷۱] همان، ۱۲ / ۱۷.
- [۷۲] همان، ۱۲ / ۳۴.

[۷۳] همان، ۱۲ / ۴۵.

[۷۴] الأرشاد، ۲ / ۱۶۱؛ شرح الأخبار، ۳ / ۲۸۲ - ۲۸۳؛ مناقب، ۴ / ۲۰۱؛ وسایل، ۱۲ / ۱۰؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۳۰؛ الفصول المهمّة، ص ۲۱۲؛ بحار، ۴۶ / ۳۵۰ - ۳۵۱، ۲۸۷ و نگاه کنید به کافی ۵ / ۷۳ / ۱۰؛ تهذیب، ۶ / ۳۲۵، ح ۸۹۴.

[۷۵] وسایل، ۱۲ / ۱۷.

[۷۶] بحار، ۴۶ / ۳۰۳.

[۷۷] ارشاد، ۲ / ۱۶۶؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۴؛ ثواب الأعمال، ص ۳۱۴.

[۷۸] ارشاد، ۲ / ۱۶۶؛ بحار، ۴۶ / ۲۸۸؛ مناقب، ۴ / ۲۰۷؛ شرح الأخبار، ۳ / ۲۸۳؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۳۳.

[۷۹] صفه الصفوة، ۲ / ۱۱۲؛ كشف الغمّة ۲ / ۳۲۰، ۳۲۴؛ الفصول المهمّة، ص ۲۱۵؛ بحار، ۴۶ / ۲۹۰ - ۲۹۱.

[۸۰] شرح الأخبار، ۳ / ۲۸۳؛ مناقب، ۴ / ۲۰۷؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۳۳؛ بحار، ۴۶ / ۲۸۸.

[۸۱] مکارم الأخلاق، ص ۱۲۲.

[۸۲] ارشاد، ۲ / ۱۶۷؛ شرح الأخبار ۳ / ۲۸۳؛ مناقب، ۴ / ۲۰۷؛ كشف الغمّة ۲ / ۳۳۳؛ الفصول المهمّة، ص ۲۱۵؛ بحار، ۴۶ / ۲۸۸.

[۸۳] بحار، ۴۶ / ۳۰۲.

[۸۴] بحار، ۴۶ / ۲۹۴؛ ثواب الأعمال، ص ۳۱۴.

[۸۵] مکارم الأخلاق، ص ۱۳۶.

[۸۶] ارشاد: ۲ / ۱۶۶؛ شرح الأخبار، ۳ / ۲۸۳؛ صفه الصفوة، ۲ / ۱۱۲؛ مناقب، ۴ / ۲۰۷؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۲۱، ۳۲۲؛ الفصول المهمّة، ص ۲۱۵؛ بحار، ۴۶ / ۲۸۷ - ۲۸۸.

[۸۷] حلیه الأولیاء، ۳ / ۱۸۷؛ صفه الصفوة، ۲ / ۱۱۲؛ كشف الغمّة، ۲ / ۳۲۰، ۳۶۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

